

پتانسیل ژئوپلیتیکی تنگه هرمز و تغییر ساختار قدرت جهانی

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

رزمایش مشترک دریایی سه جانبه ایران، روسیه و چین، با عنوان «کمر بند امنیت دریایی» از روز جمعه (۹۸/۱۰/۶)، به مدت سه روز در آب‌های نیمه شمالی اقیانوس هند، دریای عمان و دریای عرب به وسعت تقریبی ۱۷ هزار کیلومتر مربع برگزار شد. بنظر می‌رسد نقش، جایگاه و رویکرد سه کشور عضو رزمایش در ساختار قدرت جهانی، در تقابل با سیستم غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

این رزمایش بیانگر نوعی صف بندی ژئواستراتژیک جدید بین دو استراتژی بری و بحری در منطقه عمومی رزمایش (شمال اقیانوس هند و تنگه هرمز) است. این منطقه جغرافیایی از اعتبار ژئوپلیتیکی بالا، بدلیل ارزشهای اقتصادی، ارتباطی، دریانوردی بین المللی، تجاری، نظامی، گذرگاهی، کنترلی و دسترسی تاثیر گذار بر سرنوشت جهان که مطلوب بازیگران اصلی قدرت جهانی و منطقه ای می باشد، برخوردار است

امروزه سیاست جهانی و بین المللی ماهیتی کاملاً ژئوپلیتیکی به خود گرفته است. به ندرت سیاستی توسط بازیگران سیاسی قدرت اتخاذ می‌گردد که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تابع یک انگیزه یا ارزش و عامل ژئوپلیتیکی نباشد.

جهان امروز، پس از فروپاشی نظام دو قطبی همچنان در مرحله گذار ژئوپلیتیکی قرار دارد و هنوز نظام مشخص و باثبات ژئوپلیتیکی در فضای جهانی مستقر نشده است. ساختارهای قدرت نیز در مناطق ژئوپلیتیکی حالت دینامیکی و شناور دارند. در نتیجه، فرایندی متناقض از رقابت، همکاری، همگرایی، واگرایی همراه با ائتلافهای غیر منتظره و متعارض و بعضاً ناپایدار یا تاکتیکی در فضاهای جغرافیایی بین کشورها و بازیگران اصلی قدرت جهانی، منطقه ای و محلی ایجاد می‌شود. علاوه بر این، استراتژی‌های ژئواکونومیک (بعد اقتصادی ژئوپلیتیک) نیز جایگاه مهمی در منازعات بین المللی و جهانی به دست آورده‌اند.

هسته مرکزی بحران‌های حاصل از این گونه رقابت‌ها و تنش‌ها، بر روی فضای جغرافیایی مشخصی موصوف به جنوب غرب آسیا تمرکز یافته است که بخشی از هارتلند جدید جهانی پس از جنگ سرد را تشکیل می‌دهد. در این منطقه پدیده‌ها، عوارض و فضاهای جغرافیایی ارزشمندی چون خلیج فارس، تنگه هرمز، اقیانوس هند، شرق مدیترانه، بین النهرین، دریای خزر، قفقاز، کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق، عربستان، یمن، سوریه، فلسطین، تنگه‌های استراتژیک، مسیرها و گذرگاههای دریانوردی بین المللی و غیره قرار گرفته است که اهمیت فوق‌استراتژیک یافته و به صحنه رقابت بازیگران قدرت جهانی، منطقه ای و محلی تبدیل شده است.

به‌رغم اینکه آمریکا همچنان از منزلت قدرت برتر جهانی برخوردار است، لیکن شکستگی نظام قدرت جهانی در دوران گذار ژئوپلیتیکی، سبب شده تا تفوق آمریکا توسط بازیگران مدعی از قبیل چین، روسیه، ایران و کره شمالی در سیستم شرق و حتی فرانسه در درون سیستم غرب به چالش کشیده شود. چین سودای رهبری نظام قدرت جهانی آینده را دارد و رقیب بالقوه قدرت جهانی آمریکاست. روسیه قدرت بالفعل و رقیب کنونی آمریکا است و در باشگاه قدرت‌های جهانی جزو بازیگران اصلی است. جمهوری اسلامی ایران نیز، توانسته قدرت ملی خود را ارتقاء دهد و در جایگاه یک قدرت مؤثر منطقه‌ای ظاهر شود. فرانسه نیز به عنوان قدرت درجه دو سیستم ژئوپلیتیکی غرب با آمریکا در حالت رقابت قرار دارد.

در ورای دوره گذار ژئوپلیتیکی، جهان آرام آرام به سمت نظم جدیدی در حرکت است که مبین یک ساختار جدید دو بخشی (شرقی و غربی) در نظام قدرت جهانی است. در بخش غربی، منظومه‌های قدرت آمریکایی، اروپایی / آتلانتیکی؛ و در بخش شرقی، منظومه‌های قدرت اوراسیایی (شانگهای) و آسیا / پاسیفیکی در حال سازمان‌یابی قدرت هستند که چین و روسیه و ایران در منظومه شرقی جهان قرار می‌گیرند.

با برگزاری رزمایش مشترک سه‌جانبه دریایی، سه قدرت بخش شرقی ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان یعنی ایران، روسیه و چین که اصالت و استقلال قدرت دارند، حضور بخش غربی ساختار مزبور یعنی آمریکا و متحدین آنرا در یکی از حساس‌ترین و اصلی‌ترین مناطق ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی جهان، یعنی منطقه شمال اقیانوس هند و تنگه هرمز به چالش کشیده‌اند.

بر این اساس، ضرورت تامین امنیت گذرگاه استراتژیک تنگه هرمز در شمال اقیانوس هند و دریای عمان که جزو سیاست‌های اعلامی و رسمی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور ذیحق آن نیز می‌باشد، بهانه مداخله بازیگران قدرت جهانی قرار گرفته و منجر به شکل‌گیری ساختارهای نوظهور امنیتی در منطقه شده است. ائتلاف بحری به رهبری آمریکا و ائتلاف اروپایی به رهبری فرانسه که به بهانه امنیت تنگه هرمز در حال شکل‌گیری هستند دو ساختار مداخله‌گر بنظر می‌رسند که نقش کلیدی و توان استراتژیک ایران را در این زمینه نادیده گرفته‌اند. در حالی که ج.ا. ایران در سال جاری رسماً سیاست رسمی و تعهد امنیتی خود نسبت به تنگه هرمز را به جهانیان در سازمان ملل اعلام و پیشگام بین‌المللی کردن امنیت تنگه هرمز گردید.

بنظر می‌رسد بدلیل مداخله قدرتهای غربی آمریکایی و اروپایی به بهانه امنیت تنگه هرمز، و نادیده انگاشتن سیاست رسمی و تعهد امنیتی ایران نسبت به تنگه هرمز و نیز انکار قدرت نظامی و امنیتی ج.ا. ایران برای انجام ماموریت مزبور، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کشور ذیحق در منطقه عمومی تنگه هرمز، خلیج فارس و شمال اقیانوس هند را وادار کرد تا با اتخاذ نوعی ابتکار استراتژیک توسط نیروی دریایی راهبردی ج.ا. ایران، ساختارهای غربی یاد شده را به چالش بکشد و ساختار امنیتی قابل توسعه جدیدی را با مشارکت قدرتهای رقیب سیستم غرب، یعنی چین و روسیه تشکیل دهد و قدرت خود را برای ایفای تعهد امنیتی و سیاست اعلامی خودش برای جهانیان و نیز رقابیش، در قالب رزمایش مشترک دریایی با حضور چین و روسیه به نمایش بگذارد.

بدیهی است که سه کشور مشارکت‌کننده در مانور دریایی موصوف، علایق و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترکی دارند و در یک ساختار ژئوپلیتیکی همسو در برابر آمریکا و متحدان غربی آن نیز قرار گرفته‌اند. چین، با هدف تضعیف فشار محاصره استراتژیک در دریای چین جنوبی و شرق اقیانوس آرام و نیز حضور موثر در مسیرهای دریایی منطقه اقیانوس هند؛ روسیه به منظور کاهش فشار انقباض فضایی ناشی از گسترش ناتو به سمت شرق و نیز تحقق رویای تاریخی حضور استراتژیک در اقیانوس هند و جنوب اوراسیا؛ و ایران نیز به منظور شکستن انزوای ژئوپلیتیکی ناشی از سیاست «فشار حداکثری اقتصادی» آمریکا بر علیه خود، نیاز به همسویی و همگرایی با یکدیگر دارند. تا بتوانند ظرفیتهای ژئوپلیتیکی این منطقه را به اهرم فشار استراتژیکی علیه آمریکا تبدیل کنند و ضمن کاهش توان آمریکا در چالش‌سازی امنیتی و اقتصادی در این منطقه، منافع این قدرت رقیب و مداخله‌گر را در معرض تهدید قرار دهند.